

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ضیاء از استرلیا

۱۶ سپتمبر ۲۰۱۷

نسل کشی و کوچاندن مسلمانان توسط بوداییان در میانمار



طی هفته های اخیر گزارشهایی مبنی بر عقیده کشی، نسل کشی، زمین سوخته و کوچاندن اجباری مسلمانان روئینگیا در میانمار به وسیله بوداییان آن کشور از طریق رسانه ها به نشر می رسد که چنین وحشت و بربریت ننگ و شرم قرن ۲۱ را باخود حمل می کند. اینک جهت آگاهی بیشتر شما عزیزان می خواهم پیرامون کشور میانمار و سابقه آن و همچنان رخداد های دلخراشی که به حق مسلمانان آنجا درین تازگی ها به وقوع پیوسته و هنوز هم در جریان است، به اختصار معلومات ارائه کنم:



میانمار کشور بیست در جنوب شرق آسیا که در همسایگی با چین، لائوس، تایلند، بنگله دیش، و هندوستان موقعیت دارد. نفوس آن ۵۵ میلیون می باشد که از جمله ۷۰ در صد آن بوداییان و بقیه آن را اقلیت های یهودی، نصرانی... و چهار در صد آن را مسلمانان تشکیل می دهند.

مسلمانان که نوشتیم ۴ درصد کل جمعیت آن کشور را می سازند، در ایالت (راخین) در سواحل غربی میانمار ساکن اند که به نام قوم روئینگیا یاد می شوند. آنها با زبان روئینگیائی تکلم می کنند و زبان شان ترکیبی از زبانهای فارسی، عربی، هندی و ترکی می باشد. پیشینه تاریخی آنها به اسلام تا حدود ۱۴۰۰ سال پیش از امروز تخمین شده است.

مسلمانان که در طول تاریخ با بوداییان و سایر اقوام به سر برده اند، کدام مشکل جدی نداشتند و در کنار هم بودند. اما شخصی در سال ۱۷۷۴ میلادی به نام (بوداپایا) به قدرت رسید که اجرای موردینی را بر مسلمانان آنجا ممنوع اعلان کرد. این وضع مسلمانان را خشمگین ساخت و به ادامه آن عکس العملها و کشمکش ها میان مسلمانان و بوداییان ادامه

یافت. تا جائی که مسلمانان گروپ های چریکی به وجود آوردند و تعدادی هم مجبور شدند به کشور های هند و بنگله دیش مهاجرت کردند.

در سال ۱۹۸۲ قانون حقوق شهروندی در کشور میانمار طوری به تصویب رسید که مبتنی بر آن از میان ۱۴۴ اقلیت موجود در میانمار ۱۳۵ اقلیت حق شهروندی دریافت نمود و ۹ دسته از اقوام اقلیت از حق شهروندی محروم شدند. بزرگترین این اقلیت ها، قوم رو هینگیا هستند.

یک تن از محققان ترک در یافته های پژوهشی خود در مورد سیاست حکومت میانمار ابراز می دارد: بوداییان قصد دارند کشور شان را کلاً از وجود غیر بودائی مذهبان به خصوص مسلمانها پاک سازند. به همین دلیل حکومت میانمار با بهانه ها و شیوه های مختلف توأم با خشونت چون: نسل کشی، زمین سوخته و کوچاندن اجباری به فجیعانه ترین صورت در برابر مسلمانان آن کشور دست زده اند.

اما در گیری های شدید میان بوداییان و مسلمانان از سال ۲۰۱۲ میلادی به خاطر کشته شدن یک زن به وسیله کدام مسلمان آغاز یافت که به تعقیب آن نظامیان میانمار به همین بهانه تعدادی از مسلمانان بی گناه را به قتل رساندند. پس از آن خبری منتشر شد مبنی بر این که یک زن بودائی مورد تجاوز سه مرد مسلمان قرار گرفته و بعد به قتل رسیده است. این سه مرد دستگیر می شوند و یک نفر از آنها در زندان نظامیان می میرد و دو نفر دیگر اعدام می شوند. در جای دیگر آمده: (یک بس حامل مسلمانان مورد حمله بوداییان قرار می گیرد. این بار یک بودائی کشته می شود. متعاقب آن شبه نظامیان تند رو بودائی که «ماگ» خوانده می شوند، به مناطق مسلمان نشین در منطقه راخین حمله می برند و بیش از ۲۰ روستا و حدود ۲۰۰۰ واحد مسکونی را به آتش می کشند...)

تصور می کنم، در کشور میانمار با سابقه بیشتر از صد سال مستعمره بودن زیر دست انگلیس ها، که انگلیسها با استفاده از سیاست تفرقه افگنی ریشه های خشونت را میان بوداییان و مسلمانان در آن کشور حتماً آب داده است. اما در تاریخ معاصر بیش از هر عامل دیگر مسلم به نظر می رسد که کمپنی های جنگ افروز بین المللی در تبتانی با شبکه های استخباراتی هژمونیکست های جهانی فصل جدیدی را بر بنیاد نزاع افگنی ها میان مسلمانان و بودائی مذهبان که پیروان هر دو آئین بخش عظیمی از ساکنان جهان را می سازند، به کار گرفته است!! چنانچه نشانه های مشابه همچو خشونت ها را طی سالهای اخیر با سوزاندن مساجد مسلمانان در ایالت اتر پردیش و سایر مناطق هندوستان توسط هندو ها مشاهده کرده می توانیم. لیکن حکومت هندوستان با استفاده از خرد و پختگی سیاسی در حفظ نظام و آرامش مردم خود توانسته کشوری با آن بزرگی و با بیشتر از صد ها دین، مذهب، زبان، قوم و دیگر تمایزات بشری را در بستر چندین فرهنگی (مولتی کلچرسم) نگه دارد.

با توجه به این مختصر، به این نتیجه می رسیم که در جریان تاریخ معاصر همگام با رشد روز افزون عقلانیت انسان، هیچ قدرتی نتوانسته با خشونت از طریق نسل کشی، عقیده کشی، ایجاد زمین سوخته و یا کوچاندن اجباری، مردم بومی یک کشور را نابود سازد و یا عقاید آنها را از طریق زور تغییر دهد.

نسل خود ما شاهد آنست که سر دمداران کمونیسم روس و چین (بر بنیاد مانفیست مارکسیزم*) به علاوه کشور های اقمار شان و اخیراً با تجربه ای که از حزب دموکراتیک خلق در کشور ما به وجود آمده، هرگز موفق نشدند با سیاست های عقیده کشی، نسل کشی، ایجاد زمین سوخته و کوچاندن اجباری ساکنان بومی کشورها از طریق خشونت به اهداف هژمونیکستی یا استیلا گرانه شان برسند. بیلگه آشکار سیاست (فقط همفکران زنده باشند و دیگر اندیشان هلاک) که شعار و روش آشکار رژیم خلق و پرچم بود نه تنها خود شان و حزب شان را شکستاند، بلکه بنیاد قدرت حزب کمونیست اتحاد شوروی را در سطح بین المللی از هم پاشاند.

همچنان به ملاحظه رسیده که مذهب ستیزی برخی از کشور های اسلامی چون عربستان سعودی و تعدادی از کشور های شیخ نشین عرب در برابر شیعیان و خلاف آن سنی ستیزی های رژیم آخوندی ایران علیه سنی مذہبان در داخل ایران و بیرون از آن روز تا روز به رسوائی خود می افزایند.

نشانه دیگری نیز در افغانستان وجود دارد که طی یک سده اخیر شاهد آن هستیم که نسل کُشی توسط امیر عبدالرحمان خان علیه هزاره ها و نسل کُشی مردم شمالی و هزاره ها و شیعه ها توسط طالبان و همچنان نسل کُشی، زمین سوخته توسط نادر خان (با استفاده ابزاری از اقوام جاجی، منگل و تگاب) در برابر مردم کُهدامن و شمالی، چه عواقبی را به وجود آورده است؟!!

بنا برآن؛ چانس موفقیت به معنای واقعی آن به خاطر ادامه زندگی آبرومندانۀ بودائیان میانمار وقتی میسر می شود که خصلت درنده خوئی موجود شان را در برابر مسلمانان و سایر اقلیت ها خاتمه بخشند، و خلاف آن در فضای صلح و همدیگر پذیری به زیست باهمی توسل جویند. از سوی دیگر پیروزی روهینگائی ها در میانمار به استقامت و مبارزه بی امان شان علیه جنایت حکومت خانم رئیس جمهور میانمار و بالنوبه بیداری وجدان های مردم و حکومت های اسلامی و بیداری وجدان جامعه بین المللی و دولت های پشتیبان دموکراسی و حقوق بشر و در رأس آن شورای امنیت ملل متحد و اداره حقوق بشر بستگی دارد که این چتر شرمناک جنایت علیه بشریت را هرچه زود تر از فضای پُر از درد و رنج عاری سازد و حاکمان جنایت کار میانمار را به میز محاکمه بکشاند.

یادداشت:

ضمن ابراز حمایت قاطع از آزادی داشتن و یا نداشتن عقاید مذهبی و محکوم نمودن هر نوع جبر، فشار و ظلمی بر مبنای داشتن و یا نداشتن یک عقیده مذهبی، می باید تذکار دهیم:

تا جایی که از مطالعات ما از آثار مارکسیستی بر می آید در هیچ کجای به گفته نویسنده این مقاله "بنیاد مانیفست مارکسیزم" کشتن و حذف فزیکتی یک انسان به خاطر داشتن کدام عقیده ای نگاشته نشده تا بر چنین ادعائی صحه گذاشت. و اما به ارتباط چین و روس و برخورد آنها در قبال مذاهب، می باید افزود که موجودیت بیش از ۴۰۰۰ مسجد در بین مسلمانان چینی و به همین سان حفظ هزاران مسجد در روسیه کنونی و شوروی دیروز خود گواه است که کسی در آن کشور ها بر مبنای مذهب "به مثابه اعتقاد و رابطه بین عابد و معبود" کاری نداشته است، خشونتها و احتمالاً کشتاری اگر علیه پیروان این و یا آن مذهب صورت گرفته باشد در کل بر مبنای استفاده ابزاری معتقدان مذاهب و سیاسی ساختن مذاهب شان بوده است.

و اما به ارتباط جنایات آحاد "خلق- و پرچم"، می باید نوشت:

خلاف تصور آنهایی که بر پیروان آن حزب برچسب "کمونیست" می زنند، آن حزب، به هیچ اندیشه و ایدئولوژی معتقد نبوده، مثنی از جواسیسی بودند که جهت تحقق اهداف بادران شان جنایت می نمودند و از آن جایی که بادران شان ماهیت سیاه و امپریالیستی شان را با لباس سرخ و کمونیستی پوشانده بودند، مردم فکر می کردند، که آنها نیز کمونیست بوده اند.

شاهد ادعای ما گذشته از نگارش صد ها مقاله و کتابی که اینک به وسیله رهبران و اعضای آن باند ها نگاشته شده و همه اعتقاد راسخ شان را به دیانت اسلام ابراز داشته اند و گذشته از جانفشانی و نوکری که اینک برای بادران جدید شان امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء می کنند، اعدام های دسته جمعی تمام رهبران جنبش کمونیستی افغانستان به

وسیله آنها، از زنده یاد "یاری" هزاره گرفته تا زنده یاد "مجید" تاجیک و از زنده یاد "میرویس" پشتون گرفته تا زنده یاد "جرات" ازبک می باشد.

خصوصیت و دشمنی آنها علیه کمونیزم و آنهایی که به گفته نویسنده مقاله به "بنیاد مانیفست مارکسیزم" معتقد بودند، در حدی شدید و انتقامجویانه بود که همزمان با این که از "سیاف ها" یعنی سمبول های "اسلام سیاسی" در زندان پذیرائی می کردند، افرادی مانند "سرمد" ها را در زیر شکنجه به قتل می رسانیدند.

به نظر ما، در نظر داشت چنین تاریخ خونباری و حرمت خون جانبازان جنبش کمونیستی افغانستان از ما می خواهد، تا وقتی به بحثی آغاز می نمائیم، تابع عواطف و احساسات خویش نگردیده، نا آگاهانه به کتمان تاریخ نپردازیم. زیرا این حقیقت بار ها به اثبات رسیده که کتمان تاریخ، تکرار آن را باعث شده است.

اداره پورتال AA-AA